

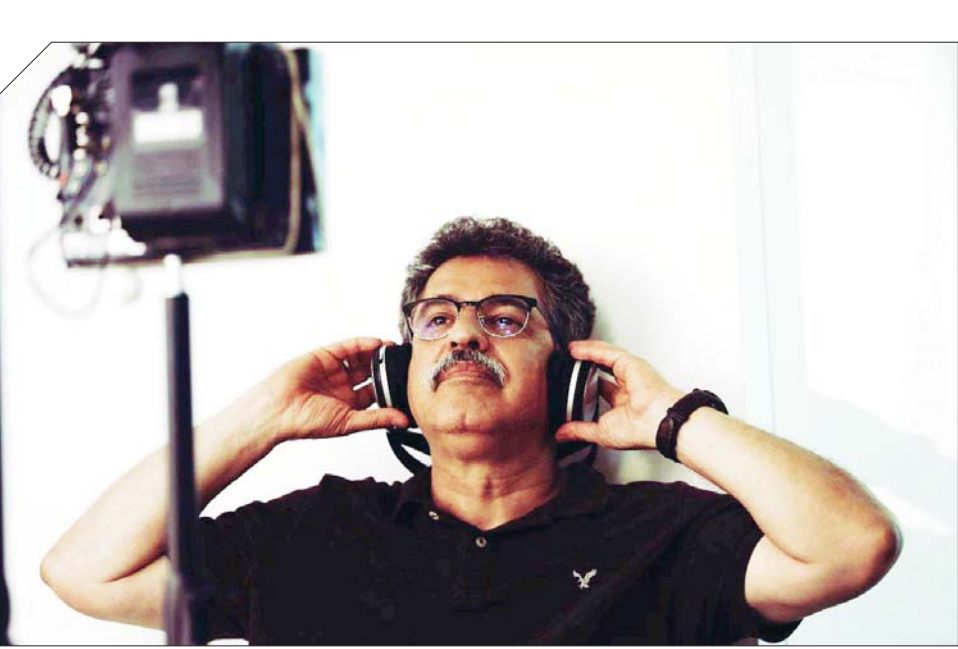
گفت‌وگو با علیرضا رئیسیان درباره فرازونشیب‌های این روزهای سینمای ایران

حیات طبیعی سینمای ایران رو به افول است

اصلا درخواستی برای مجوز ساخت فیلم فرهنگی و اجتماعی وجود ندارد که سانسور شود یا خیر



علیرضا رئیسیان



«عقاب‌ها» که در صدر این فهرست است، در دهه ۶۰ با توجه به میزان جمعیت در مجموع اکران خود چیزی بالای هشت میلیون نفر بیننده داشت و با همین مثال می‌توان متوجه شد که همچنان چقدر فاصله زیاد است، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که حیات طبیعی این سینما رو به افول است. در حوزه تئاتر، موسیقی، مطبوعات، هنرهای تجسمی، کتاب و… هم چنین مواردی را می‌بینیم و نشان می‌دهد عزم و جزم تصمیم‌گیرندگان در وزارت ارشاد بر نوعی فشار بیش از حد، بدون داشتن منطق فرهنگی و اقتصادی بر هنرهای متصل به این وزارتخانه است. آیا مأموریت اصلی وزارتخانه میدان دادن به پدیده‌های مبتدلی که به اسم هنر شایع شده، است؟

♦ **البته سینما در بسیاری از کشورهای دنیا با حمایت دولت به حیاتش ادامه می‌دهد؛ اما به نظر می‌رسد حیات طبیعی سینمای ایران دچار مشکلات زیادی شده است.**

بله. سینما در همه جای دنیا با حمایت دولت به‌صورت مادی و معنوی به حیات خودش ادامه می‌دهد. به همین دلیل یکی از مهم‌ترین فاکتورها برای ارزش بالا رفت شاخص‌های فرهنگی، رشد سینماست. سینمای ایران جزء ۱۰ کشور اول تولید فیلم در دنیا بوده و در فهرست پنج کشور اول در حضورهای فرهنگی، جشنواره‌ای و دریافت جوایز بین‌المللی است. الان هر دو این موارد به دلیل سوءمدیریت دچار اختلال وحشتناک شده است. بنابراین اتفاقاتی از این دست را در حوزه تئاتر، موسیقی و سایر رشته‌های فرهنگی هم می‌بینیم. انکار نوعی مسابقه برای شکستن رکوردها شروع شده است. فیلمی کمدی رکورد می‌زند و یک فیلم کمدی دیگر با نامی متفاوت رکورد قبلی را می‌زند. اصلا رکوردها برای شکسته‌شدن هستند نه برای ثابت‌ماندن؛ ولی این ردی را دوا نمی‌کند.کم‌اینکه قبلا هم چاره کار نبوده است، نه در ایران و حتی قبل از انقلاب و نه در کشورهای دیگر. فکر می‌کنم سینما تا تنوع لازم و تکتز در نوع مخاطب را مدنظر قرار ندهد و از شکلی که فعلا هست بیرون نیاید، سالن‌ها هم ضرر خواهند کرد و آن وقت دیگر آنها هم هیچ بهانه‌ای که چرا همراهی با جریان اصیل سینمایی نکردند، نخواهند داشت.

♦ **به نظر می‌رسد درحال حاضر بسیاری از فیلم‌های اجتماعی در مرحله گرفتن پروانه ساخت دچار حواشی بسیاری می‌شوند. نگاه شما به آینده این سینما چیست؟**

و بودجه‌ای جداگانه برای خانه سینما که مهم‌ترین، قدیمی‌ترین و موفق‌ترین نماد صنفی مملکت است اتفاق بیفتد. جریان ساده‌های است. بودجه آنچنانی هم نمی‌خواهد. به‌ نظرم دولت‌ها عموما مشتاق هستند که سینما را از همه جهت تحت کنترل خودشان داشته باشند و با استفاده از اهرم بودجه همیشه سعی می‌کنند خواسته‌های خودشان را به جریان صنفی تحمیل کنند و در مسیری که خودشان می‌خواهند صنوف و خانه سینما را قرار می‌دهند. در دوره جدید بیشترین تلاش دوستان هیئتمدیره و اخیرا مدیرعامل خانه سینما رفع گرفتاری هنرمندانی شد که در قوه قضائیه یا مراکز دیگر پرونده‌های مربوط به اظهارنظرهای اجتماعی و فرهنگی داشتند. این مورد اصلا توجیه ندارد که چرا وقتی هنرمندان راجع به مسائل اجتماعی صحبت می‌کنند، بلافاصله به دادگاه احضار می‌شوند. فضایی که ایجاد شده تقریبا در کشورهای دیگر از نظر فرهنگ اجتماعی مرسوم نیست. به هر حال بیشترین تلاش خانه سینما در این دوره صرف موانع همین پرونده و رفع مشکلات فیلم‌سازان شد.

انصافا باید از اعضای هیئتمدیره و مدیرعامل خانه سینما تشکر کرد. کارگروهی که این موارد را دنبال می‌کنند، کار پیچیده و سختی انجام می‌دهند. باید به تصمیم‌گیرندگان اجرایی توصیه کرد که رابطه جریانات سیاسی با مسائل فرهنگی نباید به این صورت اتفاق بیفتد. این وضعیت به نفع هیچ‌کدام از طرفین نیست و طبیعتا نمی‌توان هنرمندان را از اظهارنظرهای شخصی در مورد مسائل اجتماعی و فرهنگی منع کرد. باید در یک فضای گفت‌وگو و تعامل این مسائل به بحث گذاشته و نتیجه‌گیری شود.

♦ **این‌طور که پیداست یکی از مشکلات خانه سینما در حال حاضر مشکلات مالی است.**

به هر حال تا زمانی که خانه سینما بودجه مستقل نداشته باشد و نتواند به یک استقلال میان‌های از نظر مالی دست پیدا کند، وضعیت همین‌گونه است. راهکار رفع مشکلات بودجه‌ای خانه سینما هم مشخص است؛ خانه سینمای باید ردیف بودجه‌ای مستقل داشته باشد و اساسنامه‌اش تغییر کند. در این دو فاکتور تردیدی نیست. من که از اولین روزهای تشکیل خانه سینما و صنف کارگردانان و بعد تهیه‌کنندگان دیگر مسائل صنفی بودم و مسؤلیت داشتم، قاطعانه می‌گویم راه دیگری وجود ندارد. بودجه خانه سینما باید مستقل از دولت شود. به این دلیل که همواره همه دولت‌ها مایل هستند که به نحوی از طریق اهرم فشار بودجه خواسته‌های خودشان را به نهاد صنفی منتقل کنند و مرتب می‌بینیم در یک بازی طناب‌کشی با خانه سینما حضور دارند و این فقط منوط به دولت فعلی هم نیست. تمام دولت‌ها کم‌وبیش دچار این عیب بزرگ در دیدگاه بودن نهاد صنفی هستند. خانه سینما باید یک نهاد مدنی غیرسیاسی و غیرانتفاعی باقی بماند و به هر شکل باید ارتباطش را با بدنه خودش طراحی کند. ساختارهای خودش تغییر بدهد و بودجه لازم را هم باید دولت با پیشنهاداتی که وجود دارد و دوستان تدوین کردند، راجع به آن تصمیم بگیرد و این اقدامات اگر اتفاق نیفتد، فکر نمی‌کنم بهبودی در وضعیت صنوف خانه سینما صورت بگیرد و نه‌اینجا همین روزمرگی که یک روز بحث معیشت است، یک روز درگیری‌های قضائی و روز دیگر بحث میمه و بی‌کاری ادامه خواهد داشت. به دوستانی که در صنوف مختلف ماه‌هاست بی‌کار هستند مدام اضافه می‌شود و باید برای این موارد فکری کرد. در این موارد می‌توان به موضوعات بنیادین رسید و این‌نیاز به همراهی وزارت ارشاد دارد که در حال حاضر بنا بر گفته مدیرعامل خانه سینما ظاهرا هوای اوری است.

♦ **و صحبت‌های باای...**

به عنوان حرف نهایی فکر می‌کنم من و خیلی از دوستان دیگری که به نوعی انگیزه تلاش فرهنگی و هنری دررومانا وجود دارد، به مدیران تصمیم‌گیرنده اصلی توصیه می‌کنیم برای مدیریت وزارت ارشاد و صداوسیما حتما به فکر تغییرات جدی باشند. برای اینکه آسیب آن هم برای دستگاه‌های فرهنگی و اجرایی زیاد است و هم مردم. در حال حاضر رابطه فرهنگی بین هنرمندان و مسئولین بسیار زیاد است. این اتفاق هر چه زودتر رخ دهد، به نفع کل مملکت خواهد بود. اشکالی هم ندارد اگر مدیریت در جایی ضعیف است، تغییر کند. نه اینکه بدتر شود. حتما باید بهبود پیدا کنند و از این حالت فعلی خارج شود. این توفقی که بین مجموعه هنرمندان و مدیریت این دو ارگان فرهنگی است، تا جایی پیش رفته است که به نظر راهی جز تغییرات اساسی ندارد. این فشارها شاید باعث واکنش‌های بیشتری هم بین هنرمندان شده و در فضای مجازی مرتب اظهارنظرا به مورد این دو ارگان را از طرف هنرمندان می‌بینید. فشار اساسنامه در نکند، بلکه سعی در حل مسائل آنها داشته باشد. وقتی دو ارگان مهم مثل صداوسیما و وزارت ارشاد در عملگردها ضعیف هستند، چه ضراری هست همچنان به‌اصطلاح در روی یک پاشنه بچرخد؟ چیزی که عنوان می‌کنم تحلیلم از شرایط اکنون است.

اخبار برگزیده

والی‌زاده از بیمارستان مرخص شد



منوچهر والی‌زاده، پیش‌کسوت رادیو و دوبلور که به علت عارضه قلبی در بیمارستان بستری و تحت نظر پزشکان متخصص قرار گرفته بود، ۲۱ خرداد از بیمارستان مرخص شد. منوچهر والی‌زاده از پیش‌کسوتان عرصه گویندگی و دوبلور، متولد ۱۳۱۹ در تهران است. او در سال ۱۳۳۷ وارد حرفه تئاتر شد و پس از آشنایی با منصور متین وارد حرفه گویندگی شد. او پس از همکاری در چند فیلم کوتاه، به علی کسمایی معرفی شد و در کنار دوبله، بازیگری را آغاز کرد.

شخصیت جیم وست با بازی رابرت کنراد در مجموعه تلویزیونی وست زبل و زرنگ، با صدای او به محبوبیت زیادی در ایران دست یافت. گویندگی به جای بازی رتینون در مجموعه فیلم‌های شرلروک هولمز، رابرت دنیرو در فیلم پدرخوانده و همین‌طور گویندگی در مجموعه تلویزیونی فرار از زندان به جای شخصیت مایکل اسکافیلد و کارتون لوک خوش‌شانس به جای شخصیت لوک، از زمره آثار به‌یادماندنی او است.

پل جفری، بازیگر بریتانیایی درگذشت

ایسنسا؛ پل جفری، بازیگر انگلیسی که برای بازی در فیلم‌های «اکسالیبو» و «افسانه تارزان» شهرت داشت از دنیا رفت. وی ۶۸ساله بود و بر اثر بیماری سرطان درگذشت. جفری در دوران بازیگری خود در فیلم‌های متعددی ظاهر شد که نقش پرسبیوال در فیلم «اکسالیبو» محصول ۱۹۸۱ از به‌یادماندنی‌ترین آنها بود. این فیلم فانتزی قرون‌وسطایی که افسانه شاه آرتور و شوالیه‌های میز گرد را تصویر می‌کند، در جشنواره کن جایزه بهترین اثر هنری را برد و نامزدی اسکار بهترین فیلم‌بررداری را دریافت کرد. این بازیگر همچنین در نقش لرد جان در فیلم «گری‌استوک» ساخته رالف ریچاردسون در سال ۱۹۸۴ و در نقش آقای لاکسوود در اقتباس سال ۱۹۹۲ از «بلندی‌های بادگیر» اثر امیلی برنتسه با بازی ژولیت بینوش بازی کرد. او در فیلم‌های دیگری همچون «زینا»، «آنا کارنینا» و «پله‌ها» نیز نقش آفرینی کرده بود. او بازیگر تلویزیون هم بود و در سریال‌هایی مانند «جوهری در تاج»، «مردی از مسکو»، «پاپلشون و ژوزفین: داستان عاشقانه»، «مدیر»، «جاسوسی»، «آکاپولکو H.E.A.T.» و «بهتر است با ساول تماس بگیري» بازی کرده بود. جفری که فوریه ۱۹۵۵ در ساری انگلستان به دنیا آمد، اوایل دهه ۱۹۹۰ به سانتافه نقل مکان کرد و به عنوان مشاور املاک و مستغلات کار کرد و بیشتر به صورت میهمان در برنامه‌های تلویزیونی حضور پیدا کرد.

نخستین همکاری پارک چان ووک با نتفلیکس

ایسنسا؛ پارک چان ووک، کارگردان مؤلف کره‌ای، برای اولین بار با نتفلیکس همکاری می‌کند تا یک فیلم تاریخی با عنوان «جنگ و شورش» را بسازد. کارگردان سازنده «اولدبوی» که سال پیش با «تصمیم به ترک» جایزه هفتادونهمین دوره جشنواره کن را از آن خود کرد، فیلم‌نامه این فیلم جدید را با همراهی شین چول نوشته است و کارگردانی آن را کیم سانگ من انجام می‌دهد. «موهو فیلم» که متعلق به پارک و شرکت کره‌ای سازنده «تصمیم به ترک»، «میزبان» و «برف‌شکن» بونگ جونگ هو است این فیلم را تولید می‌کند. داستان این فیلم بیش از ۴۰۰ سال پیش در زمان حکومت سلسله چوسون در کره اتفاق می‌افتد و در پس‌زمینه جنگ، ماجرای دو دوست دوران کودکی را تصویر می‌کند که اکنون دشمن هم شده‌اند. گنگ دونگ ووک بازیگر «دلال»، پارک جونگ مین بازیگر «تصمیم به ترک» نقش‌های اول فیلم را ایفا می‌کنند. گنگ نقش جنون یونگ را بازی می‌کند که قدرت رزمی او با ریشه خانوادگی‌اش به عنوان یک رعیت مخالف است و پارک در نقش جونگ ریو، ارباب سابق جنون یونگ و از نوادگان تأثیرگذارترین خانواده نظامی چوسون ظاهر می‌شود. پروژه جدید پارک چان ووک به عنوان کارگردان، ساعت مینی‌سریالی برای «آی‌جی‌وی» با عنوان «هم‌دل» است که در آن رابرت داوئی جونیور در نقش‌های متعدد بازی می‌کند. نتفلیکس رهبری بازار کره را در اختیار گرفته و در مشارکت با صنعت داخلی و تولید عناوینی مانند «بازی مرکب» محبوب‌ترین سریال این کمپانی با بیش از ۱.۶ میلیارد ساعت تماشا را خلق کرده است. آوریل امسال این کمپانی نمایش آنلاین متعهد شد در چهار سال آینده ۲.۵ میلیارد دلار در کره‌جنوبی سرمایه‌گذاری کند که شامل تولید فیلم‌ها، سریال‌ها و برنامه‌های بدون فیلم‌نامه می‌شود. این رقم دو برابر کل مبلغی است که نتفلیکس از زمان راه‌اندازی سرویس خود در کره در سال ۲۰۱۶ در این کشور سرمایه‌گذاری کرده است.

۳۰ سینما کناره گرفت و نیروی خود را تماما در تئاتر به کار گرفت و به یکی از مشهورترین بازیگران تئاتر تبدیل شد.

خوروش که به واسطه فعالیت‌های هنری‌اش خود را از آموزش‌وپرورش به وزارت فرهنگ و هنر منتقل کرده بود، توسط اداره جدیدش مأموریت پیدا کرد برای تلویزیون تله‌تئاتر بازی کند. اولین نمایش‌نامه تلویزیونی او «مارگریت» بود. او در تلویزیون به مدت ۱۰ سال هر هفته یک نمایش‌نامه زنده داشت و در کنار نام‌های معتبر آن زمان مثل عزت‌الله انتظامی، محمدعلی کشاورز، جمیله شیخی، جمشید لایق، اسماعیل داورفر، داوود رشیدی، جعفر والی، حسین کسبیان، مهین شهابی، جمشید مشایخی، علی نصیریان، اسماعیل شنگله، پرویز فنی‌زاده، منوچهر فرید، نصرت پرتوی، اسماعیل محرابی، خسرو شجاع‌زاده، فرزانه تأییدی، آذر فخر و… حضور داشت.

فخری خوروش از اواخر دهه ۴۰ در جریان موج نو سینمای ایران، بار دیگر به سینما بازگشت و در آثار مهم و معتبری مانند «آقای هالوو» به کارگردانی داریوش مهرجویی، «فرین» ساخته ناصر تقوایی، «شازده احتجاب» به کارگردانی بهمن فرمان‌آرا، «شطرنج باد» به کارگردانی محمدرضا اصلانی و «سوته‌دلان» ساخته علی حاتمی ایفای نقش کرد.

خوروش از معدود بازیگران زن سینمای ایران است که پس از انقلاب هم راهش را در سینما ادامه داد. خوروش پیش از انقلاب هرگز در سریالی بازی نکرد اما در مجموعه‌های تلویزیونی متعددی در سال‌های بعد از انقلاب بازی کرد که از آن جمله می‌توان به «امیرکبیر» و بازی در نقش مهدعلیا مادر ناصرالدین‌شاه اشاره کرد که از به‌یادماندنی‌ترین نقش‌آفرینی‌های اوست. بازی در سریال‌های «امام علی» و «پهلوانان نمی‌میرند» نیز از دیگر فعالیت‌های او پس از انقلاب است. آخرین اثر سینمایی خوروش فیلم «یک بوس کوچولو» به کارگردانی بهمن فرمان‌آرا بود؛ حضور کوتاه و تأثیرگذارش در این فیلم فراموش‌ناشدنی است. بی‌شک نخ تسبیح نقش‌های خوروش، سلاطت و جذبه شخصیت‌هایی بود که با حضور او قدرت بیشتری می‌گرفت. می‌توان او را ازجمله بازیگران سینمایی ایران دانست که همواره با حضورش، نکاتی به شخصیت اضافه می‌کرد و در آثاری که او حضور داشت، حتی اگر نقش کوتاه بود، حضورش را با بازی تأثیرگذارش اثبات می‌کرد. فخری خوروش را می‌توان از بی‌تکرارترین بازیگران سینما و تلویزیون ایران خطاب کرد؛ بازیگری که در طول سال‌های فعالیتش در این عرصه همواره نامش با احترام و نیکی به زبان جاری می‌شود. او از سال ۱۳۸۴ به آمریکا مهاجرت کرد و صبح روز ۲۰ خرداد ۱۴۰۲ در بیمارستانی در شهر لس‌آنجلس درگذشت.